



## An Analysis of Imam Ali's Epistle 53 to Malik al-Ashtar through the Lens of John Searle's Speech Act Theory [In Persian]

Samaneh Fathollah Zadeh Aghdam<sup>\*1</sup> , Ahmad Mohammadi Nejad Pashaki<sup>2</sup> 

1 Master of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Qom University, Qom, Iran

2 Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Guilan, Rasht, Iran



\*Corresponding author: samanefathollahzade@gmail.com



Received: 05 Jun, 2024

Revised: 19 Aug, 2024

Accepted: 22 Aug, 2024

### ABSTRACT

Discourse analysis often employs the theory of speech acts, a cornerstone of pragmatics that explores language's role in social interaction and offers a potent method for dissecting literary texts. John Searle, building upon the philosophical foundations laid by his mentor Austin, concentrated on language's philosophical dimensions and classified speech acts into five categories: assertives, expressives, directives, commissives, and declarations. This study scrutinizes Imam Ali's letter to Malik al-Ashtar using Searle's speech act theory. Findings suggest that directive acts are most prevalent in Imam Ali's political discourse, with commands and persuasions being used to engage Malik al-Ashtar's attention and to steer him toward the letter's content and Imam Ali's viewpoints. Imam Ali adeptly employed these directive acts to maintain his audience's engagement. Assertive acts, used for clarification and exposition, are also prominent in his letters. Imam Ali relied on these to recount past events or to issue warnings, as his primary objective in writing was to enlighten and inform Malik al-Ashtar. Expressive acts, which convey the writer's sentiments, perspectives, and reflections on occurrences, are less frequent in Imam Ali's correspondence and are fitting given the letters' context. Commissive acts are similarly scarce, as Imam Ali did not outline future actions for Malik, and the letters lack a commissive character. Furthermore, Imam Ali utilized declarative acts to proclaim new conditions for Malik, employing verbs such as appointing, announcing, and revoking, which are characteristic of declarative speech acts that announce changes in the world.

**Keywords:** Discourse Analysis, Speech Acts, Letter 53 of Nahj al-Balagha, John Searle.

## تحلیل گفتمان نامه ۵۳ امام علی (ع) به مالک اشتر با تکیه بر نظریه کنش گفتاری جان سرل

سمانه فتح اله زاده اقدم<sup>۱\*</sup>، احمد محمدی نژاد پاشاکی<sup>۲</sup>

۱. کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه قم، قم، ایران

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

\*نویسنده مسئول مقاله Email: samanefathollahzade@gmail.com

پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۰۱

اصلاح: ۱۴۰۳/۰۵/۲۹

دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۲۸

### چکیده

یکی از رویکردهایی که در حوزه تحلیل گفتمان مطرح شده است نظریه کنش گفتار است. این نظریه یکی از مهم‌ترین سرفصل‌های مطالعات کاربردشناسی زبان است که با بررسی به نقش زبان در ارتباط اجتماعی می‌تواند در تحلیل متون ادبی ابزاری در خور توجه باشد. جان سرل نظریه فلسفی مطرح شده توسط استادش آستین را بسط داد و به اقتضای تعالیمی که دیده بود، مطالعات خود را معطوف به مباحث فلسفی زبان کرد، وی کنش گفتاری خود را، به پنج دسته اظهاری اعلامی، عاطفی، ترغیبی، تعهدی تقسیم نموده است. پژوهش حاضر بر آن است نامه حضرت علی (ع) به مالک اشتر را براساس کنش گفتاری سرل مورد بررسی و تحلیل قرار دهد. نتایج بیانگر آن است که کنش ترغیبی در گفتار سیاسی حضرت علی به نسبت سایر کنش‌ها وجه غالب است. دستور دادن و ترغیب کردن از افعال کنش ترغیبی است، به نظر می‌رسد امام علی (ع) برای جلب توجه مالک اشتر و ترغیب او به متن نامه، همچنین همراهی با عقاید خویش بارها از چنین کنشی بهره جسته است. طبیعی است که امام برای اینکه مخاطبش را به تداوم گوش دادن تشویق نماید چنین کنشی را به کار برد. در مرتبه بعدی، کنش اظهاری در نامه‌های امام علی (ع) نمود بیشتری دارد؛ این کنش برای تبیین و توضیح امور مختلف به کار می‌رود. امام علی (ع) از این کنش برای بیان حوادثی که قبلاً روی داده یا برای اهدافی چون هشدار دادن بهره جسته است، زیرا هدف اصلی حضرت از نوشتن نامه روشنگری و آگاه کردن مالک اشتر بوده است. کنش عاطفی که احساسات، نگرش‌ها و ذهنیت نویسنده نسبت به وقایع رخ داده را نشان می‌دهد، درصد پایینی را در نامه‌های حضرت، به خود اختصاص داده و با توجه به موقعیت نامه تناسب دارد. کنش تعهدی نیز درصد پایینی را به خود اختصاص داده است به این خاطر که امام در پی انجام عملی در آینده برای مالک نیست و نامه در بردارنده تعهدی نیست. همچنین امام (ع) از کنش اعلامی نیز در پی اعلام شرایط جدیدی برای مالک است زیرا گوینده به بهره‌گیری از این کنش تغییرات خاصی که

در جهان روی می‌دهد را اعلام می‌کند، لذا از افعال مناسب این کنش که منصوب کردن، اعلام کردن، فسخ کردن، است حضرت علی (ع) استفاده کرده‌اند.  
واژگان کلیدی: تحلیل گفتمان، کنش گفتار، نامه ۵۳ نهج البلاغه، جان سرل

#### مقدمه

از دهه ۱۹۷۰ به بعد، گفتمان وارد مباحث زبان‌شناسی شد. در همین دوران بود که چاپ و انتشار مجلات و کتاب‌هایی با عنوان *discourse analysis* از برون یول ۱۹۸۳، استابز ۱۹۸۳، و همچنین کتاب مبانی تحلیل گفتمان *hand book of discourse analysis* توسط ون دایک در چهار جلد باعث شد مطالعه گفتمان به عنوان رشته‌ای جا افتاده در زبان‌شناسی پذیرفته شد. نظریه کنش گفتاری اواسط قرن ۲۰ توسط فیلسوف انگلیسی جان لنگشاو آستین در سال ۱۹۹۵ مطرح شد. در سال‌های ۱۹۳۹ تا ۱۹۵۹ در سلسله درس گفتارها و سخنرانی‌های آستین فیلسوف مکتب پراگ نظریه کنش کلامی شکل گرفت که به تأمل در باب زبان روزمره می‌پرداخت. (شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۷۱) نظریه فوق به بررسی این نکته محوری می‌پردازد که چگونه در بافتی معین گفته‌ها به خودی خود کاری انجام می‌دهند. کامل‌ترین بیان دیدگاه آستین در کتابش به نام چگونه با کلمات کارهایی انجام دهیم، آمده است که البته برای نخستین بار بعد از مرگ وی منتشر شد. (مکاریک، ۱۳۸۵: ۲۳۶) وی در این کتاب با اتخاذ رویکرد کاربردگرایانه به زبان، بر این عقیده بود که هرمتنی علاوه بر این که حاوی اطلاعاتی است، از نظر نوع کاری که انجام می‌دهد نیز قابل بررسی و ارزیابی است. براساس نظریه کنش گفتار، «اولاً جملات خبری تنها جملات اصلی و معنی دار زبان نیست، ثانیاً تعیین ارزش صدق و کذب همه جملات ممکن نیست؛ زیرا هدف گوینده از بیان جملات کنشی توصیف خود عمل است نه توصیف یک وضعیت یا حالت.» (آستین، ۱۹۷۰: ۲۴۲)

آستین هرکنش کلامی را شامل سه نوع کنش بیانی، غیر بیانی و فرا بیانی مطرح می‌کند: وی معتقد است کنش بیانی خود عمل بیان کردن و گفتن را انجام می‌دهد و معنای دستوری و صریحی همراه جملات است. کنش غیر بیانی یا منظر شناختی غیر مستقیم بیان شده و منظور گوینده است و کنش فرا بیان هم به تأثیرات کلام در خارج از حوزه زبان باز می‌گردد. درگزاره زبانی (بنشین روی مبل)، کنش بیانی دقیقاً گفتن همین جمله است و کنش غیر بیانی منظور وی است که گوینده از گفتن این جمله که همان نشستن مخاطب است قصد کرده است و کنش غیر بیانی آن کاری است که مخاطب انجام می‌دهد. یعنی اگر بنشیند در همان جایی که مشخص شده کنش فرا بیانی هم رخ داده است.

هرچند سهم عمده در نظریه کنش‌گفتار را آستین بر عهده دارد اما این نظریه در آراء و اندیشه‌های دو تن دیگر تأثیر گذاشته است. جان سرل یکی از افرادی است که بیشترین تأثیر را از ارائه آستین پذیرفته است. سرل بود که نظریه کنش‌گفتاری را به سوی زیان‌شناسی معطوف کرد. معرفی نظریه کنش‌گفتاری و عدم توصیف (بار غیر بیانی) آن در چارچوب معناشناسی درست یا نادرست و در نتیجه مطرح شدن شرایط مناسب یا نامناسب منجر به افزودن بعد جدیدی در مطالعات زبانی شد و معناشناسی دو بعدی (نحو معناشناسی و یا صورت و معنا) را تبدیل به کاربردشناسی سه بعدی (نحو، معنا و کاربرد) کرد. (آقاگل زاده، ۱۳۸۵)

فیلسوفان دیگر این چالش آستین را پذیرفتند و به بازبینی و شرح آن پرداختند. یکی از فعال‌ترین این فیلسوفان جان راجرز سرل متفکر آمریکایی است وی شاگرد آستین بوده و مطالعات قابل توجه و چشمگیری در خصوص زبان انجام داده است. با استفاده از این رویکرد می‌توان به تحلیل کنش‌گفتاری هر نوع متنی به ویژه متون سیاسی و دینی پرداخت و لایه‌های پنهان چنین متونی را از این زاویه آشکار ساخت. سرل این نظریه را تا حد زیادی بسط داد و گفت: هرگاه میان معنای جمله و معنای مورد نظر گوینده مطابقت وجود داشته باشد، کنش‌گفتار غیر مستقیم (ضمنی) است. آقاگل زاده در توضیح کنش‌گفتار غیر مستقیم یا به عبارتی کنش ضمنی اینگونه می‌نویسد: «آستین معتقد است با پیچیده‌تر شدن رابطه زبان و جامعه، کنش‌های صریح پیرو کنش‌های ضمنی تکامل می‌یابند. هر جمله کنشی ضمنی قابل بسط به جمله‌ای است که دارای فعل اخباری اول شخص یا فعل اخباری مجهول دوم شخص یا سوم شخص مفرد باشد و همچنین فعل جمله به عملی اشاره دارد که گفته کنشی انجام می‌دهد. (آقاگل زاده، ۱۳۹۰: ۲۹) معمولاً رعایت ادب سبب ایجاد کنش‌گفتار غیر مستقیم می‌گردد. به طور مثال وقتی برای انجام کاری به صورت سوالی از کسی خواهش می‌کنیم؛ منظور از آن پرسش کسب اطلاعات نیست. در جمله «ممکن است کمک کنید تا از خیابان عبور کنم؟» گوینده به دنبال شنیدن پاسخ «بله» بدون انجام عمل و کمک کردن نیست، بلکه این امر کنش امری به صورت غیر مستقیم بیان شده و مخاطب نیز در مقابل، کاری را برای او انجام می‌دهد. رعایت ادب مهم‌ترین دلیل غیر مستقیم بودن کنش امری است.

سرل به جای کنش بیانی از کنش گزاره‌ای که اجزای آن کنش ارجاعی و کنش پیش‌بینی است استفاده می‌کند و نشان داده خواهد شد که چرا این مسئله صحیح است. سرل نیز مانند آستین تمایز بین جملات خبری-کنشی را همچون تمایز بین دو نوع متفاوت کنش رد می‌کند او می‌پذیرد که کنش‌گفتار، واحد پایه معنی است یا به عبارت دیگر کنش‌گفتار

واحد اساسی زبانی با وجوه خبری و کنشی است. مزیت نظریه سرل بر نظریه کنش‌های گفتار آستین یکی در پیشبرد این نظریه و دیگری در دسته بندی صریحی است که از افعال جهت تعیین کنش‌های گفتار می‌دهد. براساس نظریه سرل می‌توانیم کنش‌های گفتار تمام جملات را در بافت مشخص نماییم. وی کنش‌های گفتار را به پنج دسته تقسیم کرده است که عبارتند از: ۱- کنش اظهاری، ۲- کنش ترغیبی، ۳- کنش تعهدی، ۴- کنش عاطفی، ۵- کنش اعلامی. هریک از این کنش‌ها به طور مختصر معرفی می‌گردند.

- کنش اظهاری: توصیف حالت یا حادثه‌ای است که گوینده باور خود را درباره درستی یا نادرستی مطلبی بیان می‌کند و می‌گوید وقایع و امور در جهان بیرون چگونه هستند. (صفوی، ۲۰۰۴: ۸۷) به عبارت ساده‌تر بیان و نظر خویش را درباره صحت و سقم آن‌ها اعلام می‌کند. با افعالی چون اطلاع دادن، تعریف کردن، ادعا کردن نشان داده می‌شود.

- کنش ترغیبی: خواست و تمایلات گوینده را نشان می‌دهد و گاهی صریح و گاهی تلویحی است. (سرل، ۱۹۷۹: ۱۷۷) این کنش گاهی در قالب درخواست‌ها ارائه پیشنهاد، نصیحت کردن و یا دستور دادن صورت می‌پذیرد.

- کنش عاطفی: در این کنش گوینده احساسات خویش را در برابر وقوع رویدادها بیان می‌کند. در واقع این کنش بیانگر حالات روحی و روانی و ذهنیت افراد نسبت به وقایع است. مانند تبریک گفتن، غم، تأسف، تشکر و معذرت خواهی کردن در این معنی به کار می‌روند.

- کنش اعلامی: در کاربست گزاره‌هایی است که به شرایط خاصی در بیرون می‌انجامد. مانند اخراج کردن، مقصر دانستن، محکوم کردن افعال این کنش هستند.

- کنش تعهدی: گوینده را متعهد به انجام کاری می‌کند و بازتاب این نوع کنش با گذشت زمان متعهد می‌شود. (سرل، ۱۹۷۹: ۱۵) از افعال کنشی مربوط به قول دادن، سوگند خوردن بهره می‌جوید. زمانی که گوینده قول می‌دهد کاری را انجام دهد خود را متعهد به انجام آن کار می‌کند.

این تقسیم بندی جهت تحلیل و بررسی کیفیت افناع و بیان مؤثر در گفتار یا نوشتار از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است زیرا هرکنش برای ایجاد یک ارتباط موفق متناسب با موقعیت و بافت جمله انتخاب می‌گردد و با تحلیل این کنش‌ها می‌توان به هدف امیر مؤمنان از نوشتن نامه و دلایل ایشان که پیامشان را به گونه‌ای خاص شکل داده، پی برد.

## پیشینه تحقیق

کاربست نظریه کنش‌های گفتار در تحلیل انواع متون ادبی، سیاسی، دینی و... در پژوهش‌های معاصر همواره مورد توجه محققان حوزه زبانشناسی و تحلیل گفتمان بوده است. در این مقاله سخنان گهربار حضرت علی در نامه ۵۳ نهج البلاغه مورد تحلیل و بررسی قرار داده و با تحلیل عوامل برون متنی، نوع افعال مورد استفاده‌ی آن حضرت را از دیدگاه نظریه کنش‌های گفتاری سرل بررسی کنیم. پژوهش بر روی آثار علمی و کتابهای مذهبی با اصول علم تحلیل گفتمان به ما کمک می‌کند که ویژگی‌های گفتمان و مفاهیم نهفته در آن را درک کنیم. تحلیل کنش‌های گفتاری یا به عبارتی بررسی کنش‌های منظوری که امام علی (ع) در پاره گفتارهای خود به کار برده‌اند از اهداف این مقاله است. از جمله پژوهش‌های انجام شده در متون ادبی و متون دینی و مذهبی که با این رویکرد صورت گرفته است، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

کاوه نوش‌آبادی در رساله دکتری خود بر اساس الگوی پنج‌گانه جان سرل به تحلیل و تفسیر پاره گفتارهای حضرت پرداخته است. (کاوه نوش‌آبادی، ۱۳۹۷) مقاله «بررسی منظورشناختی افعال کنشی و قطعی در نهج البلاغه» از علی قهرمانی و رضا تواضعی (۱۳۹۶) به بررسی منظور شناختی و کنش‌های کلامی انشایی و اخباری فرازهایی از چند خطبه و نامه پرداخته است. مقاله تحلیل زبان شناسانه خطبه ۵۲ براساس طبقه بندی سرل از کنش‌های گفتاری فریده بجنوردی وحید و حیدر علی احمدزاده کلات مورد مطالعه قرار گرفته است. تحلیل متن شناسی زیارت نامه امام رضا (ع) بر پایه نظریه کنش گفتار به قلم محمد رضا پهلوان نژاد و مهدی رجب زاده انجام شده که در نشریه مطالعات اسلامی: فلسفه و کلام (۱۳۸۹) به چاپ رسیده است که البته از جهت بستر پژوهش با مقاله حاضر متفاوت است. با توجه به پیشینه تحقیق، نوشتار حاضر که به تحلیل نامه حضرت علی به مالک اشتر می‌پردازد در پی پاسخگویی به سوالات زیر است:

آیا با بررسی میزان استفاده از کنش‌های غیر بیانی ما را به افکار نویسنده نامه می‌رساند؟

نحوه به کارگیری انواع کنش‌ها در نامه ۵۳ نهج البلاغه چگونه است و بسامد آنها چه چیزی را نشان می‌دهد؟

بالاترین و کم‌ترین آمار به کدام یک از کنش‌های غیر بیانی اختصاص دارد؟

### بافت موقعیتی نامه

از آنجایی که در نظریه کنش گفتار، بافت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، برای ورود به بدنه اصلی پژوهش نخست لازم است بافت موقعیتی نامه قدری تبیین گردد. این نامه در سال ۳۸ هجری هنگامی که وضع زمامداری محمد بن ابوبکر در مصر درهم ریخته و متزلزل شده بود امام علی(ع) مالک اشتر را به فرمانداری مصر برگزید نوشته است. این نامه حاوی اصول حکومت و مدیریت و آیین کشورداری است و بند بند نامه بعد از گذشت چهارده قرن چنان تازه و بدیع است که آن را به دستورالعملی برای مدیریت در همه زمان‌ها و مکان‌ها تبدیل کرده است.

### چارچوب مفهومی و نظری

برای نمونه برخی از کنش‌های گفتاری را بررسی می‌کنیم، تا نحوه تعیین کنش‌های غیر بیانی مشخص شود. (هذا ما أمر به عبدالله علی أمير المؤمنين مالک بن حارث الأشتر فی عهده الیه حین ولاء مصر...) در ابتدای نامه امام علی(ع) با بهره‌گیری از کنش اعلامی شرایط جدیدی را به مالک اعلام می‌کند و او را به عنوان فرماندار مصر منصوب می‌کند و تا خراج آن دیار را جمع‌آوری کند و کار مردم را اصلاح کند و شهرهای مصر را آباد سازد و برای مالک دستوراتی را صادر و توصیه‌هایی نمودند. بخش اول نامه در ضرورت خودسازی است (أمره بتقوی الله و إیثار طاعته...) حضرت علی(ع) در بخش اول از نامه به شیوه ترغیبی از مالک می‌خواهد اطاعت خدا را بر دیگر کارها مقدم دارد، و از واجبات و سنت‌ها پیروی کند و فرمان می‌دهد نفس خود را از پیروی آرزوها باز دارد و به هنگام سرکشی رامش کند. امام با اقتباس از آیه قرآن (فإن النفس أماره بالسوء إلا ما رحم الله) در قالب درخواست از مالک می‌خواهد خدا را با دل و دست یاری دهد، در ادامه امام علی(ع) به شیوه اعلامی و ترغیبی به مالک توصیه می‌نماید نیکوترین اندوخته‌اش اعمال صالح و درست باشد و از آنچه حلال نیست خویشتن داری کند.

بخش دوم نامه (و أشعر قلبک للرعیه و المحبه لهم و اللطف بهم) به اخلاق رهبری اختصاص دارد و امام علی(ع) با پاره‌گفتارهای اظهاری و ترغیبی به مالک دستور می‌دهد نسبت به مردم مهربان باشد و مانند حیوان شکاری نباشد که خوردن آنان را غنیمت بداند چرا که مردم دو دسته‌اند دسته‌ای برادر دینی و دسته‌ای دیگر همانند او در آفرینش هستند. در واقع امام در نفی تفکر آپارتایدی و تأیید تفکر اینترناسیونالیسم می‌باشد زیرا همه ملت‌ها باهم برابر و برادرند و نظر خویش را درباره قضیه برابری انسانها اعلام می‌نماید، اگر گناهی از مردم سرزنند بر آنها آسان گیرد و ببخشاید همانطور که دوست دارد خداوند او را ببخشد

و از کیف‌کردن مردم شادی نکنند. (اینی مؤمر آمر فاطاع..). این پاره گفتار که در قالب اظهاری است در نفی تفکر آبسولوتیسم؛ حکومت‌های مطلقه و استبدادی است. به مالک تبیین می‌کند به مردم نگوید به من دستور داده‌اند و من نیز فرمان می‌دهم پس باید اطاعت شود چرا که اگر با مقام و قدرتی که دارد دچار تکبر و خود بزرگ بینی شود به بزرگی و برتری خداوند بنگرد.

بخش بعدی نامه با هدف پرهیز از غرور و خود پسندی آمده است (ایاک و مساماه الله فی عظمته) امام علی (ع) به مالک توصیه می‌کند از غرور و خود بزرگ بینی پرهیزد و انصاف را رعایت کند و زیرا کسی که به بندگان خدا ستم روا دارد خداوند به جای بندگان دشمن او خواهد شد. همچنان که پیش‌تر گفته شد این پاره گفتار، کنشی اظهاری و ترغیبی است که از ورای آن یادآوری پرهیز از ستمکاری بوده است.

(و لیکن أحب الأمور إلیک أوسطها فی الحق)، بیانگر مردم‌گرایی و حق‌گرایی است، چرا که خشم عمومی مردم خشنودی خواص را از بین می‌برد، اما خشم خواص را خشنودی همگان بی‌اثر می‌کند. امام باور خویش را به مالک بیان داشته و می‌فرماید خواص جامعه بار سنگینی را بر حکومت تحمیل می‌کند زیرا در سختی‌ها یاریشان کمتر است و در برابر مشکلات کم‌استقامت‌تر می‌باشند و زیر مجموعه کنش‌های ترغیبی قرار می‌گیرد.

(ولیکن أبعد رعیتک منک و أشنأهم عندک) در ضرورت رازداری حاکمان جامعه، امام علی (ع) با کنش ترغیبی و در نفی تفکر آپورتونیسم (فرصت‌طلبی) از مالک می‌خواهد از مردم عیب‌جو خودداری کند و آنچه هویدا است را بپوشاند و داوری درباره آنچه که پنهان است را به خدا واگذار کند. حضرت علی در این عبارات به مالک یادآوری می‌کند رشته هر نوع دشمنی را با مردم قطع کند و از آنچه که در نظرش روشن نیست کناره‌گیرد.

(ولا تدخلن فی مشورتک بخیلأ یعدل عن الفضل) امام علی (ع) جایگاه صحیح مشورت کردن را بیان داشته و از مشورت با کسانی که او را از تنگدستی می‌ترساند و حریص هستند خودداری کند، زیرا بخل و حرص و ترس غرائزی هستند که ریشه آنها بدگمانی است و حریص‌ها را با ستمکاری در نظرت زینت می‌دهد. در این پاره گفتار تکرار حرف «لا» نشان‌دهنده تأکید امام نسبت به این موضوع است که نویسنده نامه را واداشته تا در اثنای نامه مالک را به هوشیاری در این مورد فراخواند، لذا جزء کنش‌های ترغیبی قرار می‌گیرد زیرا امام دستورات خود مبنی بر مشورت با افرادی که در حق‌گویی از همه صریح‌ترند و در آنچه را که خدا برای دوستانش نمی‌پسندد مالک را مددکار نباشد



انتخاب کند چه خوشایند مالک باشد یا خوشایند نباشد در قالب پیشنهاد به مالک داده است.

(والصق بأهل الورع و الصدق ثم رضهم علی ألا بطروک و لا یبجحوک بباطل لم تفعله) این بخش از نامه که در خصوص اصول روابط اجتماعی با رهبران گفته شده امام با کنشی ترغیبی به مالک پیشنهاد داده است تا می تواند با پرهیزکاران و راستگویان پیبوند. در قسمت دوم این بخش از نامه امام فرموده است: «ولا یكونن المحسن و المسیء عندک بمنزله سواء» با کنشی اعلامی شرایط جدیدی که مالک در فرمانداری مصر با آن مواجه خواهد شد را اعلام می کند و تغییراتی که در این خصوص روی می دهد را برای مالک ابراز می کند و می فرماید هیچ وسیله ای برای جلب اعتماد والی به رعیت بهتر از نیکوکاری به مردم و تخفیف مالیات و عدم اجبار مردم به کاری که دوست نمی دارند، نیست. با آنان که بدرفتاری کرده بدگمان باشد و آداب پسندیده ای که بزرگان این امت به آن عمل کردند و ملت اسلام با آن پیوند خورده است برهم نزنند و آدابی که به سنت های خوب گذشته زیان وارد می کند را پدید نیاورد. امام در واقع به اصالت سنن و آداب احترام می گذارد و آداب پرستی افراطی را که با تغییر عمومی اتفاق می افتد را نیز نقد می نماید، از دیدگاه حضرت علی (ع) نه همه سنتها اصالت دارند و نه همه سنت ها را باید طرد کرد، بلکه با ارزیابی صحیح باید آداب و سنن نیکو را محترم شمرد.

(أَنْ الرعیه طبقات لا یصلح بعضها إلا بعض و لا غنی ببعضها عن بعض) این عبارات و عبارات بعد از این که با شیوه اظهاری بیان شده به شرح شناخت اقشار گوناگون اجتماعی می پردازد. مردم از گروه های مختلفی تشکیل شده اند و هیچ گروهی از گروه دیگر بی نیاز نیست و اصلاح هر یک با دیگری امکان پذیر است و برای هر یک از اقشار جامعه شامل نویسندگان، قضات دادگستری، لشکریان، تجار و بازرگانان و... برای هر یک خداوند سهمی مقرر کرده است و همه آنان به مقداری که امورشان اصلاح شود بر زمامدار حقی مشخص دارند. با اینکه نظامیان و ارتش جایگاه مهم و ارزشمندی در جامعه اسلامی دارند اما نباید به نظامی و نظامی گری اصالت داد. در این پاره گفتار امام باور خود را نسبت به اقشار جامعه بیان می کند.

(فول من جنودک أنصحهم فی نفسک لله و لرسوله و لإمامک) امام علی (ع) با کنشی ترغیبی به ترسیم سیمای نظامیان پرداخته و از مالک می خواهد در نظامیان با خانواده های ریشه دار و دارای شخصیت حساب شده روابط نزدیک برقرار کند یکی از اهداف کنش ترغیبی مخاطب به انجام کاری است و قرار دادن شنونده در حالت تکلیف و اجبار برای عملی است، بسامد بالای کنش ترغیبی در این نامه برای اهداف گوناگونی مانند

تعجب و تقریر، توبیخ، ارشاد، و.. است. زیرا زبان غیر مستقیم بهترین روش برای کنش ترغیبی است، امام نیز با بهره‌گیری از این کنش از مالک درخواست می‌کند فرماندهان سپاهیان از کسانی باشند که بیشتر از همه به سربازان کمک می‌کنند. در ادامه همین بخش از مالک می‌خواهد آرزوهای سپاهیان را برآورده و از آنان ستایش کند، تمای افعال به کار رفته در این بخش دلالت بر ارشاد و نصیحت دارد که از کنش‌های ترغیبی به شمار می‌رود. سپس با تمسک جستن از آیه ۵۹ سوره نسا (یا ایها الذین آمنوا اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منکم فإن تنازعتم فی شیء فردوه الی الله و الرسول) با کنشی ترغیبی به مالک می‌فرماید اگر مشکلاتی در رابطه با نظامیان برایش پیش آید آن را به خدا و رسولش بازگرداند، چرا که بازگرداندن چیزی به خدا یعنی عمل به قرآن، و بازگرداندن به پیامبر یعنی عمل به سنت او که وحدت بخش است. (أختر للحکم بین الناس أفضل رعیتک فی نفسک ممن لا تضیق به الامور) بخش دیگر نامه به شرح و ترسیم سیمای قضات و داوران پرداخته و می‌فرماید از میان افراد برترین‌ها را برای قضاوت انتخاب کند، کسانی که مراجعه فراوان آنها را به ستوه نیاورد و طمع را از دل ریشه کن کند و در شبهات از همه با احتیاط تر است. کنش غیر مستقیم صیغه امر در این عبارات بیانگر ارشاد و نصیحت است، زیرا امام علی (ع) در ادامه می‌فرماید در دستوراتی که داده نیک بنگرد که دین در دست بدکاران اسیر گشته است و با نام دین به هواپرستی پرداخته‌اند.

(ثم أنظر فی أمور عمالک فاستعملهم اختیاراً) غرض کنشی فعل امر راهنمایی و پیشنهاد در ترسیم سیمای کارگزاران دولتی است که با کنش ترغیبی و اظهاری است. امام علی (ع) در صدد امر کردن نیست بلکه هدف وی راهنمایی و ارشاد مالک است که نظر خویش را در مورد صحت و سقم این قضیه بیان کرده است؛ با دقت در امور کارمندان بیاندیشد و پس از آزمایش آنان به کار گمارد. زیرا با گرفتن حقوق کافی در اصلاح خود بیشتر می‌کوشند و به اموال بیت المال دست نمی‌زنند. (تفقد أمر الخراج بما یصلح أهله فإن فی صلاحه و صلاحهم صلاحاً لمن سواهم) هدف کنش اظهاری توصیف حالت یا حادثه‌ای است که گوینده عقیده خود را درباره آن اظهار می‌کند. این کنش تعهد گوینده را نسبت به صدق گزاره مطرح شده نشان می‌دهد (صفوی، ۱۳۸۷، ۸۲) حضرت علی در این نامه از کنش اظهاری برای بیان و اغراض متفاوت، محتوای گزاره‌ای را با جهان و محیط مطابقت می‌دهد و باور خود را بازگو می‌کند. امام علی (ع) در بیان سیمای مالیات دهندگان اینگونه می‌فرماید: اگر امور مالیات دهندگان اصلاح نشود کار دیگران سامان نخواهد گرفت. اگر مردم در سنگینی مالیات شکایت کردند در گرفتن مالیات به میزانی که امورشان سامان پذیرد تخفیف دهد. در بخش پایانی این بخش از نامه اظهار می‌کند که با گسترش

عدالت در بین مردم و مهربانی نسبت به آنان، اطمینان خواهی داشت که اگر در آینده کاری پیش آید که برعهده‌شان بگذاری با شادمانی می‌پذیرند. به صورت غیر مستقیم این بخش دارای کنش ترغیبی نیز می‌باشد؛ زیرا حضرت علی با درخواست از مالک طلب می‌کند که امور مالیات دهندگان را واریسی کند و از تخفیف دادن در خراج او را نگران نسازد. (ثم استوص بالتجار و ذوی الصناعات و أوص بهم خیرا: المقیم منهم و المضطرب بماله) در این پاره گفتار، که در ترسیم سیمای بازرگانان و صاحبان صنایع است، حضرت علی (ع) معتقد است بازرگانان پدید آورندگان وسایل زندگی از نقاط دور دست و دشوار هستند، آنها مردمانی آشتی طلبند و فتنه‌آگیزی ندارند، اما در میان آنان کسانی یافت میشوند که تنگ نظر و بد معامله و احتکار کننده هستند، برای جلوگیری از احتکار آنان همانطور که رسول خدا عمل می‌کرد عمل کند، اگر کسی بعد از منع مالک احتکار کند او را کیفر دهد تا مایه عبرت شود. این پاره گفتار که در توصیف ویژگی‌های بازرگانان است، کنش اظهاری در نظر گرفته می‌شود.

(الله الله فی الطبقة السفلی من الذین لا حيلة لهم) پاره گفتار فوق که در توصیف و شرح حال سیمای محرومان و مستضعفان است، در کنش تعهدی گوینده متعهد به انجام کاری در آینده است لذا از افعال مرتبط با این کنش مانند سوگند خوردن و قول دادن استفاده می‌کند. حضرت علی در سفارش خود نسبت به اوضاع محرومان در جامعه از این کنش بهره‌جسته و می‌فرماید: برای خدا پاسدار حقی باشد که خداوند برای این طبقه معین کرده است. همواره در فکر مشکلات آنان باشد و برای این گروه از افراد مورد اطمینان خویش برگزین تا مسائل آنان را به تو گزارش دهد و در مجالس عمومی با آنان بنشین و در برابر خدا فروتن باش، برای تأکید بیشتر نسبت به این موضوع به نقل روایتی که از پیامبر شنیده است بسنده می‌کند. « لئن تقدس أمه لا یؤخذ للضعیف فیها حقه من القوی غیر متتبع»

(ثم أمور من أمورک لابد من مباشرتها: منها إجابة عمالک بما یعیا عنه کتابک) کنش ظاهری این پاره گفتار، ترغیبی و اظهاری است. امام علی (ع) باور و اعتقاد خود را درباره اخلاق اختصاصی رهبری بیان داشته و فرمودند نیاز مردم را پاسخ‌ده و ساعاتی را نیز برای خود و خدای خود قرار بده اگر نیت درست و رعیت در آسایش قرار داشته باشد و آنچه تو را به خدا نزدیک می‌کند را بیعیب و نقص انجام ده و زمانی که نماز جماعت می‌خوانی نه طولانی کن و نه آن را تباه ساز و در این خصوص به نقل حدیثی از پیامبر، زمانی که به یمن رفته پرداخته است. (صل بهم کصلاه أضعفهم و کن بالمؤمنین رحیماً)

(فلا تطوّلنّ احتجابک عن رعیتک فإنّ احتجاب الولاه عن الرعیه شعبه من الضیق) کنش ظاهری این پاره گفتار ترغیبی است، بیانگر سلوک و رفتار رهبر در جامعه است، به مالک می‌فرماید حق نشانه‌ای ندارد تا از دروغ شناخته شود بنابراین به حق واجبی که باید پردازی یا کار نیکی که باید انجام دهد ترس نداشته و نباید خود را پنهان دارد. پاره گفتارهای آتی، یعنی «ثم إنّ للوالی خاصه و بطانه فیهم استئثار و تطاول و قله إنصاف فی معامله» و «و أُلزم الحق من لزمه من القریب و البعید» شامل کنش‌های ترغیبی و اظهاری می‌باشد، ظاهر سخن حاکی از اخلاق رهبری با خویشاوندان است که امام علی (ع) در آن از ویژگی‌های خواص و نزدیکان زمامداران سخن گفته است و فرموده به گونه‌ای با آنان برخورد کند که قراردادی به سودشان منعقد نگردد و به هیچ یک از اطرافیان و خویشاوندان زمینی واگذار نشود. در واقع این بخش که با کنش اظهاری بیان شده و در نفی تفکر خود محور بینی و خود مداری (اگوسانتریسیم) است که باید در انجام وظیفه به خدا توجه داشت. (ولا تدفعن صلحا دعاک إلیه عدوک ولله فیه رضی) امام علی (ع) در پی تشویق مالک به چگونگی برخورد با دشمن است که زیر مجموعه کنش ترغیبی قرار می‌گیرد. امام می‌خواهد به مالک توصیه کند که هرگز پیشنهاد صلح را که از طرف دشمن داده می‌شود و خشنودی خدا در آن است را رد نکند؛ چرا که آسایش و آرامش و امنیت در صلح تأمین می‌گردد. این تفکر حضرت علی (ع) در نقد تفکر صلح طلبی (پاسی فیسم) است که با توسل به جنگ مخالفند، بلکه پس از دفاع اگر دشمن پیشنهاد صلح دهد باید پذیرفت. در ادامه همچنین با شیوه ترغیبی به مالک توصیه می‌کنند که در امضای قرار داد دقت نموده و پس از محکم کاری و دقت در قرار داد نامه آن را امضا نموده و در مشکلاتی که با امضای قرار داد اتفاق می‌افتد شکبیا باشد و پیمان شکنی نکند.

حضرت علی (ع) در بخش‌های پایانی نامه خود هشدارهایی داده‌اند، برای پی بردن به کنش‌های ظاهری و غیر بیانی این پاره گفتارها در ابتدا به ظاهر آنها می‌نگریم. (ایاک و الدماء و سفکها بغیر حلها) امام علی درباره خون ناحق به مالک هشدار داده و به او می‌نویسد هیچ چیز مانند خون ناحق کیفر الهی را نزدیک نمی‌کند و نابودی نعمت‌ها را سرعت نمی‌بخشد. ایشان به مالک هشدار می‌دهد اگر به ناحق خون کسی ریخته شد، غرور و قدرت مانع از پرداخت خونبها نشود، با دقت در مفهوم این پاره گفتار درمی‌یابیم مقصود امام از این عبارات هشدار دادن و تأکید بر این موضوع است، زیرا لفظ (ایاک) که مفعول به است مقدم داشته تا تأکید و اهمیت موضوع را تبیین کند، پس هشدار دادن درباره موضوعی و بیان آنچه در جهان واقع روی می‌دهد زیر مجموعه کنش اظهاری است. هشدار بعدی نیز مانند هشدار فوق با مقدم شدن لفظ (ایاک) است که درباره خود پسندی

است. (و ایاک و الإعجاب بنفسک والثقه بما یعجبک منها)، بخش دیگری که امام علی(ع) درباره آن هشدار می‌دهد هشدار نسبت به خود پسندی است. ظاهر پاره گفتار اظهاری است؛ اما با توجه به مفهوم درمی‌یابیم که ستایش سبب خود پسندی می‌شود و از بهترین فرصت‌های نفوذ شیطان است. (و ایاک و المن علی رعیتک یا حسانک) هشدار سوم در خصوص پرهیز از منت‌گذاری است. این پاره گفتار که به شیوه اظهاری بیان شده درباره هشدار نسبت به منت گذاشتن است و امام علی(ع) با اقتباس از آیه ۳ سوره صف (کبر مقتا عندالله أن تقولوا ما لا تفلحون) درباره این موضوع هشدار می‌دهد که منت نهادن پاداش نیکوکاری را از بین می‌برد و بزرگ شمردن کاری نور حق را خاموش می‌کند. (و ایاک و العجله بالأمر قبل أوانها) پاره گفتار بعدی درباره هشدار از شتابزدگی است. حضرت علی(ع) که با کنش ترغیبی در پی توصیه دادن می‌باشد ایشان به مالک دستور می‌دهند هرگز در کاری که زمان آن فرا نرسیده شتاب نکنند.

(ایاک و الإستثثار بما الناس فیه أسوه) پاره گفتار پایانی در هشدار از امتیاز خواهی است. امام با کنش ترغیبی از مالک می‌خواهد در آنچه که با مردم مساوی است امتیاز نخواهد و از اموری که بر همه روشن است غفلت نکند. آثار و واجباتی که در کتاب خداست را همواره به یاد بیاور و به آنچه عمل کرده‌ایم پیروی کن. پیش از این گفتیم گاهی برای یک کنش گفتاری دو یا چند فعل در نظر گرفته می‌شود. در اینجا از یک سو با شیوه ترغیبی از سوی دیگر با شیوه اظهاری آنچه را که در جهان واقع روی می‌دهد را بیان می‌کند که تنها با یاد قیامت بر نفس می‌توان مسلط شد. از سوی دیگر و در قسمت پایانی نامه با کنشی عاطفی احساسات خویش را بیان داشته و برای مالک دعا می‌نماید. پایان عمر من و تو را شهادت و رستگاری ختم نماید و با درود بر پیامبر و اهل بیت ایشان نامه را پایان می‌دهند.

### نتیجه‌گیری

در پرتو نظریه کنش گفتاری جان سرل درک کنش گفتارها بسیار حائز اهمیت است و با باورهای گوینده هنگام توصیف جهان سر و کار دارد. هدف از بیان جملات تنها انتقال منظور نیست بلکه ایجاد و تأثیر است. از این میان سرفصل کنش کلامی آستین و سرل با طبقه بندی پنج‌گانه افعال گفتاری (کنش اظهاری، ترغیبی، تعهدی، عاطفی و اعلامی) در کاربردشناسی زبان که اثر را در چارچوب زبانشناسی متن و با توجه به بافت موقعیتی پاره گفتارها مطالعه می‌کنند می‌تواند راه‌گشا باشد.

اولین کنش غیر بیانی در نامه مذکور به کنش ترغیبی اختصاص دارد. زیرا دستور دادن و ترغیب کردن از افعال کنش ترغیبی است، به نظر می‌رسد امام علی (ع) برای جلب توجه مالک اشتر و ترغیب او به متن نامه، همچنین همراهی با عقاید خویش بارها از چنین کنشی بهره جسته است. طبیعی است که امام برای اینکه مخاطبش را به تداوم گوش دادن تشویق نماید چنین کنشی را به کار برد.

کنش اظهاری دومین کنش مورد استفاده در نامه است. این کنش برای تبیین و توضیح امور مختلف به کار می‌رود. امام علی (ع) از این کنش برای بیان حوادثی که قبلاً روی داده یا برای اهدافی چون هشدار دادن بهره جسته است، زیرا هدف اصلی حضرت از نوشتن نامه روشن‌گری و آگاه کردن مالک اشتر بوده است.

کنش عاطفی که احساسات، نگرش‌ها و ذهنیت نویسنده نسبت به وقایع رخ داده را نشان می‌دهد، درصد پایینی به خود اختصاص داده و با توجه به موقعیت نامه تناسب دارد. کنش تعهدی نیز درصد پایینی را به خود اختصاص داده است زیرا در کنش تعهدی گوینده برای انجام کاری قول می‌دهد و خود را متعهد به انجام آن کاری می‌کند. در کلام امام علی در این نامه نمودی نداشته زیرا امام در پی انجام عملی در آینده برای مالک نیست و نامه در بردارنده تعهدی نیست.

همچنین امام از کنش اعلامی نیز در پی اعلام شرایط جدیدی برای مالک است زیرا گوینده به بهره‌گیری از این کنش تغییرات خاصی که در جهان روی می‌دهد را اعلام می‌کند، لذا از افعال مناسب این کنش که منصوب کردن، اعلام کردن، فسخ کردن، است حضرت علی استفاده کرده‌اند.

### منابع و مأخذ

- قرآن کریم.  
 نهج البلاغه.  
 آقا گل زاده، فردوس (۱۳۸۵)، تحلیل گفتمان انتقادی، انتشارات علمی و فرهنگی.  
 آقا گل زاده، فردوس (۱۳۹۰)، تحلیل گفتمان انتقادی، تکوین تحلیل گفتمان در زبان‌شناسی، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.  
 شمیسا، سیروس (۱۳۸۳)، نقد ادبی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات فردوس.  
 صفوی، کوروش (۲۰۰۴)، درآمدی بر معناشناسی، تهران: نشر سوره مهر.  
 مکاریک، ایرناریما (۱۳۸۵)، دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر، ترجمه مهران مهاجر و محمد نبوی، چاپ دوم، تهران: نشر آگه.

- Crystal, D., (2008) *A dictionary of linguistics and phonetics*, 6<sup>th</sup> edition oxford black well publishing ltd.
- Searl, j. (1979). *Expression & meaning: studies in the theory of speech acts*. Uk: Cambridge university press

### **Acknowledgements**

We would like to express our thanks to reviewers for their valuable suggestions on an earlier version of this paper.

### **Declaration of Conflicting Interests**

The author(s) declared no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship and/or publication of this article.

### **Funding**

The author(s) received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.

### **REFERENCES**

Holy Quran.

Nahj al-Balagha.

Agha Golzadeh, F., (2006), *Critical discourse analysis*, Scientific and Cultural publications. [In Persian]

Agha Golzadeh, F., (2013), *Critical Discourse Analysis, Development of Discourse Analysis in Linguistics*, 2<sup>th</sup> Edition, Tehran: Scientific and Cultural Publications. [In Persian]

Crystal, D., (2008) *A dictionary of linguistics and phonetic*, 6<sup>th</sup> edition oxford black well publishing ltd. [In English]

Makarik, I., (2005), *Encyclopaedia of Contemporary Literary Theories*, translated by Mehran Mohajer and Mohammad Naboi, 2<sup>th</sup> edition, Tehran: Agah Publications. [In Persian]

Safavi, K., (2004), *An Introduction to Semantics*, Tehran: Sureh Mehr Publications. [In Persian]

Searl, j. (1979). *Expression & meaning: studies in the theory of speech acts*. Uk: Cambridge university press. [In English]

Shamisa, S., (2004), *Literary criticism*, 4<sup>th</sup> edition, Tehran: Ferdous Publications. [In Persian]